

## قضازدایی پلیسی در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان؛ مبانی و جلوه‌ها

(مقاله علمی-پژوهشی)

نسرین مهرا\*

حسن رودسرابی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۷

### چکیده

قضازدایی پلیسی به عنوان راهکاری که پلیس با توسل به آن درصدد جلوگیری از ورود مرتکبان جرائم سبک به فرایند کیفری سنتی است، سابقه دیرینه در انگلستان دارد. به واقع، به دلیل تبعیت این کشور از نظام حقوقی کامن‌لا، حاکم بودن نظام دادرسی اتهامی بر آن و عدم وجود نهاد دادسرا حداقل تا چند دهه قبل، پلیس ارگان اصلی در مرحله پیش دادرسی تلقی می‌شود و تقریباً اکثر اختیارات تعقیبی و قضازدایانه را در اختیار دارد. در حال حاضر نیز، اختیارات عمده‌ای در زمینه متوقف کردن رسیدگی‌های کیفری یا جلوگیری از ورود مرتکبان به فرایند کیفری دارد که از آنها تحت عنوان «پاسخ‌های خارج دادگاهی پلیس» یاد می‌شود. پلیس این اختیارات بعضاً قانون موضوعه‌ای و بیشتر صلاحیت‌دایانه را در جرائم اختصاری و دو وجهی اعمال می‌نماید. گرایش این کشور به قضازدایی پلیسی، بیشتر مبنای تاریخی، جرم‌شناختی و کارکردگرایانه دارد. در مقابل، نظام حقوق کیفری ایران مبتنی بر نظام رومی-ژرمنی است و پلیس یک نهاد اجرایی زیر نظر مقام قضایی بوده و اختیار قضازدایی به طور قانونی به آن واگذار نشده است؛ اما در برخی جرائم، اقداماتی انجام می‌دهد که می‌توان آن را قضازدایی پلیسی قلمداد کرد. قضازدایی پلیسی با چالش‌هایی نیز مواجه است که مهم‌ترین آنها تعارض با اصل قضایی بودن مجازات‌هاست.

### کلیدواژه‌گان:

قضازدایی پلیسی، پلیس انگلستان، پلیس ایران، اخطارها، اختیارات صلاحیت‌دایی.

\* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

docnas@mail.com

\*\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)  
Hasan.lawyer1987@gmail.com

## مقدمه

با ارتکاب جرم و کشف آن، چرخ‌های عدالت کیفری به حرکت در می‌آید. مرتکب در فرایند کیفری از صافی‌های تعقیب، تحقیق و محاکمه می‌گذرد.<sup>۱</sup> در فرض وقوع جرم و محکومیت مرتکب، واکنش‌ها عمدتاً به صورت مجازات نمایان می‌شود. اما اعمال مجازات نسبت به همه مرتکبین نه تنها سودمند نیست؛ بلکه معضلاتی مثل افزایش پرونده‌ها و هزینه‌های کیفری را به دنبال دارد. لذا، یکی از ضرورت‌های نظام کیفری، اعمال روش‌هایی است که کمترین هزینه و بیشترین کارایی را داشته باشد.<sup>۲</sup> یکی از این روش‌ها، راهکار مهم و اثرگذاری به نام قضازدایی<sup>۳</sup> است.<sup>۴</sup> قضازدایی یعنی به جریان نینداختن رسیدگی کیفری یا متوقف کردن آن.<sup>۵</sup> قضازدایی هر فرایندی را شامل می‌شود که یا مانع ورود پرونده به فرایند کیفری می‌شود یا از ادامه آن جلوگیری و یا اینکه آن را به بیرون از سیستم هدایت می‌کند.<sup>۶</sup> قضازدایی در هر مرحله‌ای از فرایند کیفری می‌تواند صورت گیرد.<sup>۷</sup> اما نتایج مثبت آن در مراحل اولیه دادرسی، بیشتر نظام‌های کیفری معاصر را به قضازدایی زودرس رهنمون ساخته است.<sup>۸</sup> از آنجاکه اولین برخورد مرتکب با نظام عدالت کیفری همواره با پلیس ثبت می‌شود؛<sup>۱</sup> قضازدایی در ابتدا در اقدامات پلیس قابل

۱. بولک، برنار، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۴، ص ۲۱.

۲. حاجی ده آبادی، محمد علی، محمد خلیل صالحی و محسن مرادی حسن‌آباد، *موقعیت داشتن تعقیب در نظام کیفری ایران با نگاهی تطبیقی*، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۶، شماره ۱۳، ص ۵۸.

3. Diversion

۴. دیباجی شیشوان، سمیرا و غلامعلی عزیززی، *قضازدایی و چالش‌های قانونی آن در حقوق ایران*، ماهنامه کانون، ۱۳۹۲، شماره ۱۴۵-۱۴۶، ص ۵۶.

۵. مهرا، نسرين، *درآمدی بر جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی*، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۶-۱۳۷۷، شماره ۲۱-۲۲، ص ۳۰۸.

6. Allard, T. Anna Stewart and others, "The Use and Impact of Police Diversion for Reducing Indigenous Over-Representation" Report to the Criminology Research Council Grant, pp.2-3.

۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی؛ *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱.

۸. بیابانی، غلامحسین و علی صابری تولایی، *مطالعه تطبیقی راهکارهای کاهش تراکم کاری پلیس آگاهی*، مجله کارآگاه، زمستان ۹۵، شماره ۳۷، ص ۳۴.

۱. مؤذن‌زادگان، حسنعلی، غلامحسین کوشکی، محمد بارانی و حسین یار احمدی، *قضازدایی پلیسی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار؛ مطالعه تطبیقی نیوزیلند، کانادا و ایران*، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال هجدهم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۴۶.

مشاهده است.<sup>۱</sup> منظور از «قضازدایی پلیسی» اعمال روش‌هایی توسط پلیس برای پرهیز از ارجاع پرونده به فرایند دادرسی رسمی است.<sup>۲</sup> پلیس با قضازدایی، درصدد فراهم کردن مسیری جایگزین فرایند کیفری سنتی برای مرتکب است.<sup>۳</sup>

لازمه اصلی قضازدایی پلیسی، وجود اختیارات صلاح‌دیدی مشخص برای پلیس است. در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا، اغلب پلیس رأساً مبادرت به تحقیق می‌نماید؛<sup>۴</sup> لیکن در کشورهای تابع نظام حقوقی نوشته همچون ایران، پلیس زیر نظر مقام قضایی انجام وظیفه می‌کند.<sup>۵</sup> انگلستان به عنوان یک کشور کامن‌لایی، توجه ویژه‌ای به قضازدایی پلیسی داشته است. پلیس انگلستان هنگام دستگیری متهم و کشف جرم، می‌تواند پرونده را خاتمه دهد یا آن را بدون ارجاع به دادستان یا دادگاه، حل و فصل نماید.<sup>۶</sup> لذا، خصوصیت اصلی نظام حقوقی انگلستان در اتخاذ تصمیمات قضازدایی توسط پلیس در قریب به اتفاق موارد، قبل از ارجاع پرونده به دادستانی است.<sup>۷</sup> به عبارت دیگر، پلیس با توجه به اختیاراتی که دارد، در نقش مقام قضایی اقدام می‌کند.<sup>۸</sup> در حالی که در ایران، مطابق با ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پلیس تحت نظر دادستان انجام وظیفه می‌کند و اختیارات خیلی محدودی در زمینه قضازدایی دارد.

با عنایت به پذیرش ایده قضازدایی پلیسی در بسیاری از کشورها از جمله انگلستان، این پرسش مطرح می‌گردد که اولاً چه دلیلی برای اعطای اختیارات قضایی به پلیس در زمینه

1. Lemert, M, E "Diversion in juvenile justice: what hath been wrought" *Journal of Research In Crime And Delinquency*, 1981: p.34.

۲. مؤذن‌زادگان، حسنعلی و دیگران، همان، ص ۴۳.

3. Wilson B, D. Iain Brennan, Ajima Olaghere, & Catherine S. Kimbrell "Police Initiated Diversion for Youth to Prevent Future Delinquent Behavior: A Campbell Systematic Review" *The Campbell Collaboration*, 2018: p.1.

۴. صادق‌پور، ناهید، «نقش پلیس در فرایند دادرسی کیفری در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد تهران مرکز، تابستان ۱۳۹۰، ص ۲.

۵. افراسیابی، علی، **بازتوزیع اختیارات نهادهای کشف و تحقیق جرم در نظام حقوقی ایران**، فصلنامه دانش انتظامی، زمستان ۹۵، شماره ۷۳، ص ۱۲۸.

6. Waddington, P.A.J. *Policing Citizens: Authority and Rights*, First published, London: UCL Press Limited, 1999, p.36.

7. Ashworth, A "Developments in the Public Prosecutor's Office in England and Wales" *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, Vol.8/3, 2000: pp.266-267.

۸. شاکری، ابوالحسن و مسعود قاسمی، **پاسخ به جرم مشهود در سیاست جنایی ایران با نگاهی به حقوق انگلستان**، فصلنامه دانش انتظامی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۱، ص ۸۷.

قضازدایی وجود دارد؟ ثانیاً در نظام حقوقی ایران و انگلستان، پلیس از چه شیوه‌هایی برای قضازدایی کیفری استفاده می‌کند و چه ایراداتی بر آن وارد است؟ ثالثاً پلیس در چه جرائمی می‌تواند اقدام به قضازدایی نماید؟ در ادامه، مبانی و جلوه‌های قضازدایی در دو قسمت بررسی می‌شود. گرچه مبانی مورد بحث ممکن است از برخی جهات تکرار مکررات باشد؛ چون پرداختن به مصادیق، بدون توجه مبانی و منطبق امر دشوار است، با نگاهی متفاوت به مبانی امر پرداخته می‌شود.

## ۱. مبانی قضازدایی پلیسی

### ۱.۱. مبانی تاریخی

قضازدایی پلیسی در انگلستان بیشتر مبنای تاریخی دارد. اداره پلیس<sup>۱</sup> نهادی قدیمی در این کشور محسوب می‌شود. در زمان‌های قدیم، در ابتدا مردم هر شهر یا روستا افسران پلیس خود را منصوب می‌کرده‌اند و هیچ سیستم پلیسی وجود نداشته<sup>۲</sup> و بنا به سنت، تعقیب، امری خصوصی بوده است؛ تا اینکه در سال ۱۸۲۹، روبرت پیل<sup>۳</sup> پلیس را ابداع می‌کند. سپس، اداره دادستانی عمومی در سال ۱۸۷۹ تأسیس شد که از بیم آنکه به نهادی قدرتمند تبدیل نشود، افسران پلیس عهده‌دار امر تعقیب شدند.<sup>۴</sup> اما بعدها انتقادات وارد بر عملکرد پلیس در زمینه تعقیب، سبب تأسیس اداره دادستانی سلطنتی می‌شود. اگرچه در ابتدا اختیارات دادستانی محدود بوده، در سال ۲۰۰۳ اختیارات تعقیبی بیشتری به آن واگذار و اختیارات پلیس محدود شده است. اما در سال ۲۰۱۳، اکثر اختیارات تعقیبی در جرائم اختصاری و دو وجهی مجدداً به پلیس واگذار می‌شود.<sup>۱</sup> اما از ابتدا تا زمان حاضر، اختیارات قضازدایی در اکثر موارد از آن پلیس بوده و اختیارات دادستان محدود است.<sup>۲</sup>

1. The Office of Constable

2. Brown, A. *Police Governance in England and Wales*. First published. Great Britain: Cavendish Publishing Limited, 1998, p.7.

3. Robert Peel

4. Wakefield, B; J. David Hirschel and Scott Sasse "Public Prosecution in England: Resistance to Change in a Major Police Force" *American Journal of Police*, No.3, 1994: p.170.

1. Campbell, Liz. Andrew Ashworth and Mike Redmayne. *The criminal process*. Fifth edition, New York: Oxford university press, 2019, pp.162-163, 198.

2. Slapper, G and David Kelly. *The English Legal System*. Eighteenth Edition. London and New York: Routledge, 2017, p.391.

اختیارات فعلی افسران پلیس انگلستان، از جایگاه آنها به عنوان پاسبان<sup>۱</sup> نشئت می‌گیرد.<sup>۲</sup> به دلیل سنت کامن‌لا، پلیس اختیارات متفاوتی در خصوص تعقیب و ایراد اتهام دارد و می‌تواند رأساً ضمانت اجراهایی نسبت به مرتکبین اعمال نماید.<sup>۳</sup> لذا، قضازدایی پلیسی به قدمت پلیس در این کشور و نبود دادسرا بر می‌گردد. به واقع، نقش پررنگ پلیس در هدایت پرونده‌ها، به لحاظ تاریخی این نهاد را مستقیماً با موضوع مدیریت جرائم درگیر و اعمال اختیاراتی را در راستای موقعیت مداری ایجاب می‌کرده است.<sup>۴</sup> قضازدایی از تعقیب با هشدار غیررسمی یا اخطار رسمی پلیس برای نوجوانان مرتکب جرائم خرد، از زمان ایجاد نیروهای پلیس سازمان‌یافته اعمال و برای اولین بار در سال ۱۸۵۸ مستندسازی شده است.<sup>۵</sup> حتی نوعی اخطار در سال ۱۸۳۳ توسط بازرس پلیس اختراع شده که بر مبنای آن، پلیس تصمیم به عدم ایراد اتهام در خصوص رفتار مخل نظم متهم به شرط تعهد به عدم ارتکاب جرم در آینده گرفته است.<sup>۶</sup> لذا، اخطار پلیس دارای سابقه طولانی بوده و از نقش پلیس در فرایند کیفری نشئت گرفته است.<sup>۷</sup> در حالی که در ایران، پلیس با اقتباس از نظام رومی-ژرمنی ایجاد شده و بازوی اجرایی دستگاه قضایی است و اختیارات قضازدایانه ندارد.

## ۱.۲. مبانی نظری

در کنار تاریخچه موضوع، اجرای عملی اندیشه‌های حقوقی نیازمند پایه منطقی مبتنی بر نظریه‌های تجربی است. لذا، در کنار مبانی کارکردگرایانه، از حیث نظری نیز رویکردهایی در

1. Constable
2. Leigh, L.H "Prolegomenon to a Study of Police Powers in England and Wales" *Notre Dame Law*, No.48, 1973: pp.862-863.
3. Jehle, J.M & Christopher Lewis & Piotr Sobota "Dealing with Juvenile Offenders in the Criminal Justice System" *Eur J Crim Policy Res*, No.14, 2008: p.243.
۴. حاجی ده آبادی، محمد علی و دیگران، پیشین، ص ۷۳.
5. Cushing, Karen "Diversion from Prosecution for Young People in England and Wales: Reconsidering the Mandatory Admission Criteria" *Youth Justice*, Vol.14(2), 2014: p.141.
6. Campbell, Elaine "Prosecution and Diversion: Implementing A Policy Initiative" PhD Thesis. University Of Newcastle Upon Tyne, 2000: pp.92-93.
7. Jasch, M. "Police and Prosecutions: Vanishing Differences between Practices in England and Germany" *German Law Journal*, Vol.5, No.10, 2004: p.120.

توجیه آن مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین نظریه‌های الهام بخش قضازدایی در حوزه مطالعات جرم‌شناختی را می‌توان به صورت زیر بیان کرد.

### ۱.۲.۱. جرم‌شناسی واکنش اجتماعی

جرم‌شناسی واکنش اجتماعی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی است که بر قضازدایی تأکید می‌کند. این جرم‌شناسی بهترین حالت برای پیشگیری از افزایش جرائم را استفاده از راهکارهایی مانند قضازدایی پلیسی می‌داند.<sup>۱</sup> به علاوه، یکی از مبانی اصلی مطرح شده برای قضازدایی پلیسی، نظریه برچسب‌زنی است. اساس این نظریه را باید در کتاب «آسیب‌شناسی اجتماعی» ادوین لیمرت، جستجو کرد.<sup>۲</sup> نظریه لیمرت در خصوص اثرات مخرب دادگاه‌های اطفال، بر پذیرش قضازدایی در انگلستان تأثیرگذار بوده است.<sup>۳</sup> طرفداران این نظریه نتیجه عمده بدنامی را آن می‌دانند که افرادی که برچسب منفی خورده‌اند، نه تنها در اعمال مجرمانه بیشتری درگیر می‌شوند، بلکه به معاشرت با افراد بزهکار سوق داده می‌شوند.<sup>۴</sup> زدن برچسب مجرم، مخصوصاً با واکنش رسمی توسط دادگاه، می‌تواند اثر زیان‌باری بر تصویری که فرد از خود دارد و برچسبی که دیگران به او می‌زنند، داشته باشد. به علاوه، بر اساس رویکرد جدید نظریه برچسب‌زنی که بر عواقب بنیادی اجتماعی انگ منفی برای نوجوانان مرتکب تأکید می‌کند، برچسب می‌تواند به کاهش دسترسی به آموزش، فرصت‌های شغلی و ثبات مالی و در نتیجه تکرار جرم منتهی شود.<sup>۱</sup> نظریه برچسب‌زنی، عامل اصلی وقوع جرم را در عدم تسامح، خصوصاً در قبال جرائم سبک می‌داند. در مورد واکنش به جرم نیز بر لزوم دور نگه داشتن افراد از آثار بدنام‌کننده و توسل به تسامح هر چه بیشتر تأکید دارد.<sup>۲</sup> زیرا تصمیم به تعقیب کیفری دربردارنده افت وضعیت اجتماعی

۱. مؤذن زادگان، حسنعلی و دیگران، پیشین، صص ۴۸-۴۹.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «تقریرات درس جرم‌شناسی»، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۷۳-۷۴، ص ۲۰۰.

3. Campbell, Elaine, op.cit. pp.22-23.

۴. وایت، رابرت (داگلاس) و فیونا هینز، *جرم و جرم‌شناسی: متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی*، ترجمه علی سلیمی، چاپ پنجم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۸۶-۱۸۷.

1. Little, S.B. "Impact of Police Diversion on Re-Offending by Young People" PhD Thesis. Arts, Education and Law Griffith University, 2015: pp.16-17.

۲. شاملو باقر و ندا محتشمی، *مطالعه تطبیقی دو نظریه تعامل‌گرایی و پنجره‌های شکسته و آثار آن بر سیاست جنایی*، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۳۶.

است.<sup>۱</sup> یکی از راهکارهای اتخاذ شده برای پیشگیری از برچسب، قضازدایی زودرس<sup>۲</sup> است و یکی از مصادیق قضازدایی زودرس، اخطار پلیس می باشد که نوعی نوحه دارو در مرحله پیش دادرسی است<sup>۳</sup> و در نتیجه آن، از برچسب حاضر شدن نزد دادگاه اجتناب می شود.<sup>۴</sup> یکی از مزایای اخطار، علناً محکوم نشدن و آشکارا برچسب نخوردن مرتکب، علی رغم شناسایی است.<sup>۵</sup>

از دیگر مبانی قضازدایی پلیسی، «نظریه منع یا تحدید مداخله کیفری» است که بیشتر مرهون هشدارهای جرم شناسی واکنش اجتماعی در خصوص توالی فاسد مداخله دستگاه قضایی است.<sup>۶</sup> الغاگرایان مدعی اند هیچ توجیه معتبری برای مجازات وجود ندارد؛ مخصوصاً وقتی گزینه های دیگر برای اجرای قانون در دسترس باشد. الغاگرای و کمینه گرایی در شکل های جرم زدایی، کیفر زدایی و قضازدایی تبلور یافته است.<sup>۷</sup> یکی از مهم ترین موارد التزام به اصل حداقلی حقوق کیفری، توسعه قلمرو جایگزین های کیفری است.<sup>۸</sup> گسترش اختیارات پلیس در پرهیز از ارجاع برخی پرونده های اطفال و نوجوانان بزهکار به دادگاه، از جمله اقدام های مربوط به اجرای الگوی کمترین مداخله است.<sup>۱</sup>

### ۱.۲.۲. عدالت ترمیمی و نظریه شرمساری باز پذیرکننده

چارچوب نظری عدالت ترمیمی، سازوکارهای سه گانه قضازدایی، جرم زدایی و کیفر زدایی است.<sup>۲</sup> یکی از اصول عدالت ترمیمی که مبنا بودن آن را برای قضازدایی پلیسی تقویت می کند، این است: «عدالت ترمیمی، واکنش علیه بزهکار را در مراحل ابتدایی رسیدگی کیفری ترجیح

1. Osborough, N. "Police Prosecutorial Discretion and the Police Image: Reflections on the Problem in England" *Washington Law Review*, No.5, 1966: p.62.

2. Early Diversion

3. Campbell, Elaine, op.cit. p.24.

4. Landau, S.F and Gad Nathan "Selecting Delinquents for Cautioning in the London Metropolitan Area" 23 *British Journal Criminology*, 1983: p.130.

5. Walker, Nigel, " Caution", *Police Journal*, No.46, 1973: p.302.

۶. اسفندیاری، محمد صالح و محسن نورپور، **تحولات نهاد پلیس در بستر یافته های جرم شناسی**، فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس، زمستان ۹۳، شماره ۲۰، ص ۱۱۹.

۷. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و محسن نورپور، **تعقیب زدایی کیفری؛ بازتابی نوین از الغاگرایی کیفری**، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳۸۴، شماره ۲، ص ۷۶-۷۷.

۸. اسفندیاری، محمد صالح و محسن نورپور، همان، ص ۱۱۹.

۱. مؤذن زادگان، حسنی و دیگران، پیشین، ص ۴۷.

۲. شاملو، باقر و ندا محتشمی، پیشین، ص ۱۴۵-۱۴۶.

می‌دهد.<sup>۱</sup> در انگلستان از یافته‌های عدالت ترمیمی در برخی از راهکارهای قضازدایی پلیسی استفاده می‌شود. از جمله، اخطار ترمیمی و نشست‌های ترمیمی که از دهه ۱۹۹۰ توسعه پیدا کرده‌اند.<sup>۲</sup> در رهنمود وزارت دادگستری در خصوص پاسخ‌های خارج دادگاهی، از عدالت ترمیمی به عنوان یکی از شیوه‌های قضازدایی یاد شده است.<sup>۳</sup> ضمناً، انجمن رئیس پلیس ملی انگلستان یکی از موارد استفاده از عدالت ترمیمی به عنوان پاسخ به جرم را شیوه حل و فصل لحظه‌ای می‌داند که در آن افسر پلیس برای برخورد با جرایم خرد از مهارت‌های عدالت ترمیمی به‌عنوان جایگزینی برای فرایند رسمی استفاده می‌کند.<sup>۴</sup>

یکی از نظریه‌های جدید جرم‌شناسی مرتبط با عدالت ترمیمی، نظریه شرمساری بازپذیرکننده<sup>۵</sup> است که مبنای قضازدایی پلیسی محسوب می‌شود. در این نظریه، به جای سرزنش مرتکب، رفتار مجرمانه تقبیح می‌شود.<sup>۶</sup> تأکید اصلی این نظریه بر استفاده از پاسخ‌های بازپذیرکننده به جای واکنش‌های جرم‌زاست.<sup>۷</sup> یکی از اهداف شروط منضم به اخطارهای مشروط بازپذیری مجدد بزهکار است<sup>۱</sup> که با این نظریه ارتباط کامل دارد. به‌علاوه، زیربنای «اخطار ترمیمی پلیسی» فرایند شرم بازپذیرکننده است که تلاش می‌کند تا اخطار طوری اعمال شود که نه تنها تحقیرکننده نباشد، بلکه همراه با آیین بازپذیرکننده باشد. این امر در ابتدا با تلاش برای فهماندن آسیب ایجادشده با رفتار مرتکب به خود و دیگران محقق می‌شود. سپس با تمرکز بر چگونگی جبران اشتباه با طرقی مثل جبران خسارت یا عذرخواهی، تلاش می‌شود تا مرتکب بازپذیر شود.<sup>۲</sup>

۱. عباسی، مصطفی، **عدالت ترمیمی؛ دیدگاه نوین عدالت کیفری**، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۲، شماره ۹، صص ۹۸-۱۰۳.

2. Wilson, D.B & other, op.cit. p.2.

3. Slapper, G. and David Kelly. op.cit. p.395.

4. Campbell, Liz and other, op.cit, p.171.

5. Reintegrative Shaming

6. Little, S.B. op.cit, p.18.

۷. غلامی، حسین، **شرم و پیشگیری از تکرار جرم**، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، بهار ۱۳۸۷، شماره ۱۰، ص ۷۳.

1. Code of Practice for Adult Conditional Cautions, January 2013. para2.14.

2. Mahony, David O. "Restorative Justice and Youth Justice in England and Wales: One Step Forward, Two Steps Back" *Nottingham L.J.*, No.21, 2012: p.90.



### ۱.۲.۳. جرم‌شناسی اصلاح و درمان و پیشگیری از تکرار جرم

با تولد جرم‌شناسی بالینی، رویکرد اصلاح و درمان شکل گرفت و نیمه نخست قرن بیستم را در سیطره خود قرار داد.<sup>۱</sup> جرم‌شناسی اصلاح و درمان به دنبال پیشگیری تکرار جرم است.<sup>۲</sup> این جرم‌شناسی در چهارچوب اقدام کیفری قابل تصور است؛ اما همه برنامه‌های درمانی در بستر کیفری انجام نمی‌شود و با وجود اصل اقتضای تعقیب، برنامه‌های درمانی در خارج از نظام کیفری نیز قابل اعمال است.<sup>۳</sup> اخطار پلیس که برای اولین بار در قانون کودکان و نوجوانان ۱۹۶۹ پیش‌بینی شده،<sup>۴</sup> توسط اکثریت به عنوان ارائه‌دهنده نشان برجسته رویکرد درمانی نظریه‌های بازپروری در نظر گرفته شده است.<sup>۵</sup> به علاوه، یکی از مزایای اخطار مشروط، فراهم کردن فرصت قضازدایی به خدمات بازپرورانه کاهش‌دهنده احتمال تکرار جرم برای بزهکاران اعلام شده است.<sup>۶</sup> یکی دیگر از دلایل توجیهی برای قضازدایی پلیسی، اعطای اختیار صلاح‌دیدی به پلیس برای اعمال حل‌وفصل‌های خارج دادگاهی<sup>۱</sup> به منظور مقابله با نرخ بالای تکرار جرم است.<sup>۲</sup> نتایج نشان می‌دهد نوجوانانی که با اخطار پلیس قضازدایی شده‌اند، دارای خطر تکرار جرم پایین‌تری در مقایسه با افراد ارجاع شده به دادگاه هستند.<sup>۳</sup> بنابر آمار، نرخ کلی تکرار جرم برای نوجوانان ۴۱٪ در سال ۲۰۱۶ بوده، اما نرخ تکرار برای نوجوانان قضازدایی شده با اخطار ۳۰٪ درصد بوده است.<sup>۴</sup> لذا، قضازدایی پلیسی تأثیر مثبتی بر کاهش تکرار جرم در انگلستان داشته است.<sup>۵</sup>

۱. شمس ناتری، محمد ابراهیم و مسعود مصطفی‌پور، *تلاقی اندیشه‌های جرم‌شناختی «بازپروری» و «ناتوان‌سازی» در قانون مجازات اسلامی ۹۲*، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳۹۶، شماره ۱، صص ۱۱۲-۱۱۳.
۲. مهرا، نسرين، *تحولات کیفر در پرتو مکاتب کیفری و جرم‌شناختی*، نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۱، ص ۱۱.
۳. نجفی‌ابرنادادی، علی حسین، «تقریرات درس جرم‌شناسی»، دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس، سال تحصیلی ۸۶-۸۷، صص ۲۴۶۲-۲۴۶۴.
۴. مهرا، نسرين، علی صفاری، محمدعلی مهدوی ثابت و بهروز نوروزی، *اصل اقتضای تعقیب در قلمرو جرائم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان*، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۳۴، صص ۱۵۴-۱۵۵.

5. Campbell, Elaine, op.cit. p.19.

6. Code of Practice for Adult Conditional Cautions, Ministry of justice, January 2013, para.1.4.

1. Out-Of-Court Disposals

2. Slothower, M "Strengthening Police Professionalism with Decision Support: Bounded Discretion in Out-of-Court Disposals" *Policing*, Vol.8, N.4, 2014: p.35.

3. Wang, Jia.J and Don Weatherburn "Are police cautions a soft option? Reoffending among juveniles cautioned or referred to court" *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, Vol.52(3),2019: p.334.

4. Campbell, Liz and other. op.cit. p.167.

5. Cushing, Karen. Op.cit. p.141.

**۱.۲.۴. جرم‌شناسی رشدمدار و دوره زندگی<sup>۱</sup>**

توجیه جدید برای قضازدایی، توسط «جرم‌شناسی رشد مدار و دوره زندگی» ارائه شده است.<sup>۲</sup> ویژگی بارز این جرم‌شناسی، تمرکز بر بزهکاری در خصوص تغییراتی است که در طول زمان، در افراد و شرایط زندگی‌شان ایجاد می‌شود.<sup>۳</sup> به عبارتی، طرز رفتار فعلی افراد متأثر از تجربیات قبلی آنها در دوره زندگی‌شان است.<sup>۴</sup> این نظریه بر رویدادهای زندگی که می‌تواند بر مسیر مرتکب تأثیر بگذارد، تمرکز می‌کند. یکی از رویدادهایی که می‌تواند که بر مسیر ارتکاب جرم نوجوانان تأثیر بگذارد، برخورد با فرایند رسمی کیفری است.<sup>۵</sup> به عبارت دیگر، رسیدگی به جرائم نوجوانان با فرایند رسمی یکی از فاکتورهای ریسک محسوب می‌شود. لذا جرم‌شناسی رشد مدار، یک مبنا برای این طرز تفکر که پاسخ غیرتنبیهی برای پیشگیری از جرم ضروری است، تلقی می‌شود.<sup>۶</sup>

**۱.۲.۵. ماهیت زودگذر ارتکاب جرم نوجوانان<sup>۱</sup>**

یکی از توجیحات قضازدایی پلیسی در جرائم نوجوانان این است که ارتکاب جرم توسط آنها ناپایدار است و اکثراً ارتکاب جرم را کنار می‌گذارند.<sup>۲</sup> به عبارتی، ارتکاب جرم بخشی عادی در فرایند رشد کودکان است و غالب آنها وقتی به رشد می‌رسند، از آن روی گردان می‌شوند.<sup>۳</sup>

**۱.۳. مبانی کارکردگرایانه**

مبانی کارکردگرایانه ناظر بر منطق صوری نهفته در اقدامات است. یعنی از بسیاری جهات اقدامات موردنظر از حیث مدیریتی پاسخگوی الزامات و نیازمندی‌های مدیریت عدالت کیفری است. این جذابیت می‌تواند در حوزه‌های مختلف مدیریتی شامل مسائل اقتصادی، اجتماعی و ... باشد و در هر حال یکی از الزاماتی است که می‌تواند باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت شود.

1. Developmental And Life-Course Criminology

2. Little, S.B. op.cit. p.18.

۳. محسنی، فرید، **دستاورد های نظری و عملی جرم‌شناسی رشدمدار**، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۶۶ ص ۱۴۵.

4. Goldson, B. *Dictionary of Youth Justice*, First published, London: Willan Publishing, 2008, p.139.

5. Little, S.B. op.cit. p.18.

6. Goldson, B. op.cit, p.141.

1. Transient Nature Of Youth Offending

2. Little, S.B. op.cit. p.19.

۳. مهرا، نسرین، **عدالت کیفری کودکان و نوجوانان**، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۰، ص ۳۲.

**۱.۳.۱. کاهش تورم کیفری**

قضازدایی پیش‌دادرسی، حجم پرونده‌هایی را که در دادگاه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، کاهش می‌دهد که این خود باعث کارایی بیشتر دادگاه در رسیدگی به پرونده‌های مهم‌تر و وارد آمدن فشار کمتر به زندان‌ها می‌شود.<sup>۱</sup> لذا، ادعا شده که منطقی‌ترین قضازدایی برای نوجوانان، قضازدایی در مرحله پلیسی است. زیرا اثبات شده که قضازدایی پلیسی با اقدامات دادگاه همخوانی دارد. یعنی آن دسته از مرتکبان که با اخطار قضازدایی می‌شوند، در صورت ارجاع به دادگاه، معافیت مطلق یا مشروط از مجازات دریافت می‌کنند.<sup>۲</sup>

**۱.۳.۲. سرعت فرایندهای قضازدایانه<sup>۳</sup>**

از دیگر مبانی قضازدایی پلیسی، زودتر به نتیجه رسیدن آنهاست. قضازدایی پلیسی فاصله دستگیری مرتکب و ختم پرونده را کاهش می‌دهد.<sup>۴</sup> یکی از اهداف قبض جرمه برای بی‌نظمی، ارائه پاسخ جایگزین سریع به افسران برای برخورد با جرائم سبک است.<sup>۱</sup> همچنین، یکی از اهداف اخطار ساده، اجرای عدالت به صورت سریع، ساده و مؤثر است.<sup>۲</sup>

**۱.۳.۳. کارایی اقتصادی فرایندهای قضازدایانه<sup>۳</sup>**

اگر از منظر مدیریت فرایند کیفری به واکنش نسبت به جرم بنگریم، طیفی از بزهکاران هستند که به لحاظ میزان خطرناکی در رتبه‌های متفاوتی قرار می‌گیرند.<sup>۴</sup> از آنجاکه نظام عدالت کیفری توان اقتصادی برخورد کیفری با تمامی مرتکبان را ندارد، مرتکبین جرائم غیرمهم باید قضازدایی شوند.<sup>۵</sup> زیرا با قضازدایی پلیسی، دیگر لزومی به جمع‌آوری ادله، تعقیب، تحقیق و رسیدگی نیست؛ در نتیجه در زمان و منابع مالی صرفه‌جویی می‌شود.<sup>۶</sup> به علاوه، قضازدایی در مقایسه با طرح پرونده در دادگاه مستلزم به کارگیری نیروی انسانی کمتر و در نتیجه، متضمن

1. Campbell, Elaine. op.cit. p.24.

2. Kraus, J. and S.L. Hasleton "Juvenile Offenders' Diversion Potential as a Function of Police Perceptions" *American Journal of Community Psychology*, Vol.10, No.2, 1982: p.172.

3. Celerity Of Diversionary Processes

4. Allard, T. and other, op.cit. p.4.

1. Penalty notices for disorder: guidance for police officers, 2014, para.1-1.

2. Simple cautions for adult offenders, 2015, para.5.

3. Economic Efficiency of Diversionary Processes

۴. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و دیگران، پیشین، ص ۶۲.

5. Allard, T. and other. Op.cit, p.4.

6. Campbell, Liz and other, op.cit. p.188.

هزینه‌ی اضافی کمتر است.<sup>۱</sup> تجربه‌های کشور انگلستان نشان داده که پلیس با اخطارهای ساده، در برخورد با جرم وقت کمتری صرف می‌کند.<sup>۲</sup>

## ۲. جلوه‌های قضازدایی پلیسی در حقوق ایران و انگلستان

پلیس انگلستان بعد از وقوع جرم، اختیار صلاحیددی زیادی در شیوه رسیدگی به پرونده دارد.<sup>۳</sup> چگونگی حل و فصل پرونده توسط پلیس در برخی موارد با قانون مشخص شده است؛ اما در مواردی پلیس به صلاحدید خود عمل می‌کند.<sup>۴</sup> لذا، قضازدایی پلیسی به دو نوع رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود.<sup>۵</sup> در ایران، قضازدایی در مراحل اولیه فرایند کیفری در اختیار مقامات قضایی است<sup>۱</sup> و اختیار قضازدایی به پلیس اعطا نشده است؛ اما مواردی را می‌توان یافت که نوعی قضازدایی پلیسی تلقی می‌شود که در ادامه به آنها نیز اشاره می‌شود.

### ۲.۱. مصادیق رسمی قضازدایی پلیسی

اصطلاح «حل و فصل‌های خارج دادگاهی»<sup>۲</sup> برای طیفی از حل و فصل‌های رسمی کوتاه کردن تعقیب مورد استفاده قرار می‌گیرد. اخطار ساده بزرگسالان، اخطارهای مشروط، اخطار جوانان و قبض جرمه، تنها حل و فصل‌های رسمی هستند که باعث کنار گذاشتن تعقیب می‌شوند.<sup>۳</sup>

#### ۲.۱.۱. اخطار ساده بزرگسالان<sup>۴</sup>

اخطار به معنای نصیحت کردن و هشدار دادن است.<sup>۵</sup> این اخطار نباید با هشدار که پیش از بازجویی به مظنون داده می‌شود، خلط شود؛<sup>۶</sup> بلکه به وسیله آن، مظنون بدون ارجاع به دادگاه با

1. Little, S.B. op.cit. p.20.

2. Jasch, M. op.cit. p.1210.

3. Slapper, G. and David Kelly. op.cit, pp.393-394.

4. Out-of-court disposals for adults, op.cit. 2007.p.3.

5. Wilson, B.D. and other, op.cit, p.1.

۱. اسفندیاری، محمد صالح و محسن نورپور، پیامدها و چالش‌های مداراگرایی کیفری در جرائم خرد، مجله کارآگاه، تابستان ۹۶، شماره ۳۹، ص ۶۲.

2. Out of Court Disposals

3. Historic England 2018, Interventions: Prosecution and Alternative, Swindon, p.5.

4. Simple Caution

۵. شکرچی‌زاده، محسن، آئین دادرسی کیفری انگلستان (قاعده اقتضاء تعقیب)، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۲۳

6 Hungerford-Welch, P. *Criminal Litigation and Sentencing*, Sixth Edition, London: Cavendish Publishing Limited, 2004, p.55.

هشدار در مورد عواقب تکرار جرم آزاد می‌شود.<sup>۱</sup> اخطار ساده یعنی آنکه پلیس نمی‌تواند شرطی مثل جبران خسارت بزه‌دیده در آن قرار دهد.<sup>۲</sup> این اخطار یک هشدار رسمی است که توسط پلیس در خصوص مرتکبان بزرگسال در جرائم کم‌اهمیت صادر می‌شود<sup>۳</sup> و حکم محکومیت محسوب نمی‌شود؛ اما بخشی از سابقه کیفری فرد است که می‌تواند در رسیدگی به جرائم ارتكابی بعدی وی به آن استناد شود.<sup>۴</sup> تا سال ۲۰۱۵، مبنای قانونی برای اخطار ساده وجود نداشت و پلیس حتی در جرائم شدید نیز از آن استفاده می‌کرد. اما قانون دادگاه‌ها و عدالت کیفری ۲۰۱۵، اعمال آن در جرائم قابل کیفرخواست را توسط پلیس منع و به دادستان واگذار کرده است.<sup>۱</sup> شرایط لازم برای اعمال اخطار ساده توسط پلیس در جرائم اختصاری و دو وجهی عبارتند از: ۱- وجود ادله کافی برای تعقیب؛ ۲- قبول مجرمیت توسط متهم؛ ۳- رضایت مرتکب؛ ۴- به منفعت عامه بودن رسیدگی به پرونده با اخطار.<sup>۲</sup>

#### ۲.۱.۲. اخطار جوانان<sup>۳</sup>

اخطار جوانان با ماده ۱۳۵ قانون معاضدت حقوقی ۲۰۱۲، ابداع و جایگزین «توبیخ و هشدار نهایی» شده است.<sup>۴</sup> این اخطار نسبت به مرتکبین ۱۰ تا ۱۷ سال اعمال می‌شود.<sup>۵</sup> اخطار جوانان بیشتر بعد حمایتی و رفاه‌گرایی کیفری دارد. زیرا اولاً هدف از ایجاد آن ارائه یک پاسخ انعطاف‌پذیرتر از طرح هشدار نهایی بوده است؛ ثانیاً سابقه محکومیت یا توبیخ و هشدار نهایی، مانع از صدور این اخطار نیست.<sup>۶</sup> شرایط لازم برای این اخطار، همان شرایط اخطار ساده است؛ با این تفاوت که در اخطار جوانان، رضایت متهم شرط نیست.<sup>۷</sup> همانند اخطار ساده، پلیس صرفاً در جرائم اختصاری یا دووجهی حق صدور این اخطار را دارد.<sup>۸</sup>

۱. مهرا، نسرين، *نظام حقوقی انگلستان*، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۴، ص ۱۶۰.

۲. شکرچی‌زاده، محسن، پیشین، صص ۲۵-۲۶.

3. Simple cautions for adult offenders, para.6.

4. Ibid, para.13.

1. Campbell, Liz and other, op.cit. pp.165-166.

2. Simple cautions for adult offenders, paras.9,10,11.

3. Youth Caution

4. Youth Cautions (Guidance for Police and Youth Offending Teams), 2013, paras.1.2-1.3.

5. Ibid, para.1.4.

6. Ibid, paras.1.6, 4.16.

7. Ibid, paras.4.2, 4.7.

8. Ibid, para.4.3.

۲.۱.۳. اخطارهای مشروط<sup>۱</sup>

اخطار مشروط الزاماتی دارد که در قالب شروطی به آن ضمیمه می‌شود و مرتکب باید آنها را رعایت کند. اعمال اخطار مشروط باعث تعلیق رسیدگی کیفری می‌شود.<sup>۲</sup> این اخطار با قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ ایجاد شد.<sup>۳</sup> در ابتدا، فقط دادستان حق صدور آن را داشت؛<sup>۴</sup> اما با تصویب مواد (۳) ۱۳۳ و (۳) ۱۳۸ قانون معاضدت حقوقی ۲۰۱۲، پلیس در جرائم اختصاری و دو وجهی اختیار صدور این اخطار را دارد. این اخطار در مورد بزرگسالان، «اخطار مشروط»<sup>۱</sup> و در مورد نوجوانان «اخطار مشروط نوجوانان»<sup>۲</sup> نام دارد.<sup>۳</sup>

همانند اخطارهای ساده و جوانان، پلیس در جرائم دووجهی و اختصاری می‌تواند به اخطار مشروط بزرگسالان حکم دهد.<sup>۴</sup> شرایط صدور این اخطار، همان شرایط اخطار ساده است، اما علاوه بر آنها باید به مرتکب هشدار داده شود که عدم رعایت شرایط می‌تواند منتهی به شروع به تعقیب شود و سند کتبی حاوی جزئیات مربوط به جرم و اخطار مشروط توسط مرتکب امضا شود.<sup>۵</sup> تدابیر منضم به اخطار مشروط باید دارای اهداف بازپروری، جبران خسارت و مجازات باشند.<sup>۶</sup> اخطار مشروط نیز محکومیت کیفری تلقی نمی‌شود.<sup>۷</sup>

به موجب قانون معاضدت حقوقی ۲۰۱۲، اخطار مشروط برای افراد ۱۰ تا ۱۷ سال نیز قابل استفاده است.<sup>۸</sup> همانند سایر اخطارها، پلیس صرفاً می‌تواند در جرائم اختصاری و دووجهی به این اخطار حکم دهد.<sup>۹</sup> شرایط صدور این اخطار، همان شرایط اخطار مشروط بزرگسالان است، ولی در مورد افراد ۱۶ سال و کمتر، تفهیم آثار اخطار و عدم رعایت شروط باید در حضور فرد بزرگسال مناسب انجام شود.<sup>۱۰</sup>

## 1. Conditional Cautions

۲. شکرچی‌زاده، محسن، پیشین، ص ۱۴۷.

3. Slapper, G. and David Kelly. op.cit, p.493.

4. Criminal Justice Act 2003, s.22(3).

1. Conditional Caution

2. Youth Conditional Caution

3. Code of Practice for Adult Conditional Cautions, 2013, para.1.3.

4. Ibid, para.1.6.

5. Ibid, para.2.1.

6. Ibid, para.2.14.

7. Slapper, G. and David Kelly. ibid, p.494.

8. Code of Practice for Youth Conditional Cautions, 2013, para.2.2.

9. Slapper, G. and David Kelly. op.cit, p.396.

10. Code of Practice for Youth Conditional Cautions, para.4.1(4).

۲.۱.۴. قبض جریمه<sup>۱</sup>

قبض جریمه یکی دیگر از جلوه‌های قضازدایی پلیسی در انگلستان است که در جرائم خرد صادر می‌شود، بدون اینکه ضرورتی به حضور مرتکب در دادگاه باشد.<sup>۲</sup> این تدبیر دو نوع مختلف دارد: ۱. قبض جریمه نقدی؛<sup>۳</sup> ۲. قبض جریمه برای بی‌نظمی.<sup>۴</sup>

از زمان تصویب قانون راهنمایی و رانندگی ۱۹۸۸، پلیس می‌تواند از قبض جریمه نقدی برای برخورد با جرائم راهنمایی و رانندگی استفاده کند. این قبض می‌تواند برای افراد بالای ۱۰ سال صادر شود و مبلغ آن از ۵۰ تا ۵۰۰ پوند است.<sup>۱</sup> اخیراً صدور این قبض در برخی جرائم محیط‌زیستی نیز امکان‌پذیر شده است. بعد از صدور قبض جریمه، فرد ۱۴ روز فرصت دارد تا مبلغ جریمه را بپردازد. در صورت پرداخت، از تعقیب کیفری مبرا می‌شود، اما عدم پرداخت جریمه منتهی به تعقیب می‌شود.<sup>۲</sup> دلیل اصلی پیش‌بینی این تدبیر، معاف کردن دادگاه از رسیدگی به پرونده‌هایی است که به راحتی قابل اثبات‌اند و دفاعی در مقابل آنها صورت نمی‌گیرد.<sup>۳</sup> از بُعد مطالعه تطبیقی، مقنن ایران در ابتدا در ماده ۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرائم رانندگی ۱۳۵۰، اعمال جریمه در تخلفات راهنمایی و رانندگی را به افسران شهربانی واگذار کرد.<sup>۴</sup> در حال حاضر نیز ماده ۲ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹، به افسران راهنمایی و رانندگی اجازه صدور قبض جریمه را داده است؛ با این تفاوت که در انگلستان این موارد جرم تلقی می‌شوند و قانون به پلیس اجازه داده که به جای دادگاه مبادرت به تعیین مجازات نماید؛ در حالی که در ایران، از این موارد جرم‌زدایی شده و به تخلف تبدیل و رسیدگی به آنها از مراجع قضایی به اداره راهنمایی و رانندگی واگذار شده است.

1. Penalty Notice

2. Sharpley, D. *Criminal Litigation Practice and Procedure*, London: College of Law Publishing, 2010-2011, p.60.

3. Fixed Penalty Notices(FPNs).

4. Penalty Notices For Disorder(PNDS).

1. Campbell, Liz and other, op.cit. p.172.

2. Goldson, B. op.cit, pp.175-176.

3. Ashworth, Andrew and Lucia Zedner "Defending the Criminal Law: Reflections on the Changing Character of Crime, Procedure, and Sanctions" *Criminal Law and Philosophy*, No.2, 2008: p.27.

۴. وروایی، اکبر، علی فتاحی و وحید یآوری، بررسی سیر تحول سیاست تقنینی ایران در کنترل جرائم و تخلفات رانندگی، فصلنامه مطالعات پژوهشی راهور، بهار ۹۴، شماره ۱۲، ص ۱۳۲.

قبض جرمه برای بی‌نظمی، نوعی قبض جرمه نقدی است<sup>۱</sup> که قانون پلیس و عدالت کیفری ۲۰۰۱، آن را به‌عنوان جایگزینی برای حل‌وفصل پرونده‌های خرد ایجاد کرده است.<sup>۲</sup> این تدبیر، کنترل‌های لحظه‌ای پلیس را افزایش می‌دهد و تشریفات اداری را حذف و در وقت پلیس نیز صرفه‌جویی می‌کند.<sup>۳</sup> این تدبیر، یک جرمه مالی است که بعد از ارتکاب جرائم قابل جرمه<sup>۴</sup> مثل تخریب کیفری زیر ۳۰۰ پوند، سرقت‌های جزئی زیر ۱۰۰ پوند و حمل مواد مخدر حشیش و قات صادر می‌شود.<sup>۱</sup> این قبض‌ها، جرمه‌هایی از ۶۰ تا ۹۰ پوند را به همراه دارند که ظرف ۲۱ روز از تاریخ صدور، یا باید مبلغ آن به‌طور کامل پرداخت شود یا اینکه شخص، رسیدگی توسط دادگاه یا حضور در دوره آموزشی را درخواست کند. در صورت پرداخت جرمه یا حضور در دوره‌های آموزشی، پرونده مختومه می‌شود.<sup>۲</sup> این تدبیر فقط در مورد بزرگسالان کاربرد دارد و پلیس در تمامی جرائم تحت شمول قبض جرمه نقدی، می‌تواند از آن استفاده کند.<sup>۳</sup> این تدبیر، نه در سجل کیفری ثبت و نه محکومیت کیفری محسوب می‌شود، اما تمامی قبض‌های صادره برای جرائم قابل ثبت<sup>۴</sup> در کامپیوتر ملی پلیس ثبت می‌شوند.<sup>۵</sup>

## ۲.۲. مصادیق غیر رسمی قضازدایی پلیسی

### ۲.۲.۱. توقیف تعقیب<sup>۶</sup>

یکی از اختیارات صلاح‌دیدی پلیس انگلستان، «توقیف تعقیب» است.<sup>۷</sup> این تصمیم می‌تواند به لحاظ عدم کفایت دلایل یا بدین جهت که اخطار غیررسمی به متهم کافی نیست، اتخاذ شود.<sup>۸</sup>

1. Penalty Notices for Disorder, 2014, para.1.3.

2. Slapper, G. and David Kelly. op.cit, p396.

3. Campbell, Liz and other, ibid. p.172.

4. Penalty 'Offence

1. Penalty Notices for Disorder, 2014, paras.1.3, 7.

2. Ibid, paras.1.4, 1.5, 1.6, 1.7, 1.8, 2.2, 5.3.

3. Ibid, paras.1.10, 1.11, 2.2, 3.47.

4. Recordable Offences

5. Ibid, paras.1.9, 4.9, 5.1.

6. No Further Action(NFA).

7. Partington, M. *Introduction to The English Legal System*. Seventh edition. United Kingdom: Oxford University Press, 2012-2013, p.105.

۸. مهرا، نسرين، **نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز**، مجله تحقیقات حقوقی، سال ۷۴-۷۵، شماره ۱۶-۱۷، ص ۳۷۳.



۲.۲.۲. هشدارها<sup>۱</sup>

یکی دیگر از اختیارات صلاحیدانه، هشدار دادن است که تفاوت آن با اخطارها در این است که هشدار اقدامی غیررسمی است و در سجل کیفری ثبت نمی‌شود. در نتیجه، در رسیدگی به جرائم بعدی شخص در دادگاه نیز ذکر نمی‌شود. هشدارها انواع مختلفی دارند. اولین نوع آن «هشدار شفاهی»<sup>۲</sup> است که نوعی اقدام غیررسمی و لحظه‌ای پلیس برای مواردی است که اخطار رسمی ضروری نیست.<sup>۱</sup> این تدبیر نباید به عنوان اخطار در سابقه کیفری مرتکب ثبت شود.<sup>۲</sup> یکی از مصادیق این هشدار، «هشدارهای حشیش و قات»<sup>۳</sup> است که در هیچ قانون مدونی به آن اشاره نشده و در خصوص افراد ۱۸ سال به بالا که برای اولین بار مرتکب جرم حمل حشیش به میزان مصرف می‌شوند، کاربرد دارد. در سال ۲۰۰۴ نیز طرح هشدار مواد مخدر حشیش<sup>۴</sup> به عنوان شکلی متفاوت از قضازدایی پیش از دستگیری ابداع شد.<sup>۵</sup> این یک هشدار شفاهی است که می‌تواند بعد از قبول مجرمیت توسط شخصی که برای اولین بار مرتکب این جرم شده و رضایت خود را برای دریافت آن اعلام کرده است، در خیابان یا در کلابتری اجرا شود.<sup>۶</sup> این نوع هشدار در سال ۲۰۱۴، برای مواد مخدر قات نیز ایجاد شد.<sup>۷</sup> دومین نوع هشدار «هشدار غیررسمی»<sup>۸</sup> است که برای اولین بار در بخشنامه ۱۹۹۰/۵۹ مورد استفاده قرار گرفت، ولی به شرایط و آثار آن اشاره‌ای نشد.<sup>۹</sup> در پرونده‌های سبک مثل جرائم راهنمایی و رانندگی پلیس می‌تواند از این هشدار استفاده نماید.<sup>۱۰</sup> سومین نوع هشدار «جلسات و نامه‌های هشدار»<sup>۱۱</sup> است که می‌تواند یک شیوه مداخله مفید برای مرتکبین با خطرناکی کم و فاقد سابقه کیفری باشد.<sup>۱۲</sup> آخرین نوع هشدارها

1. Warning

2. Verbal Warning

1. Campbell, Liz and other, op.cit. pp.163-164.

۲. شکرچی‌زاده، محسن، پیشین، صص ۲۶ و ۹۲.

3. Cannabis and Khat Warnings

4. Cannabis Warning' Scheme

5. Monaghan, G. and Dave Bewley-Taylor "Practical implications of policing alternatives to arrest and prosecution for minor cannabis offences" *Modernizing Drug Law Enforcement Report 4*, 2013, pp.11-12.

6. Slapper, G. and David Kelly, op.cit, pp.395-396.

7. Campbell, Liz and other, op.cit. p.164.

8. Informal Warning

۹. شکرچی‌زاده، محسن، پیشین، صص ۲۷.

10. Choe, D.H "Discretion at the Pre-Trial Stage: A Comparative Study" *Eur J Crim Policy Res.* No.20, 2014: pp.102-103.

11. Warning Letters and Meetings

12. Historic England, op.cit, p.8.

«هشدارهای مداخله زودرس»<sup>۱</sup> است که می‌تواند در خصوص رفتار ضد اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. این هشدار می‌تواند شفاهی یا کتبی باشد.<sup>۲</sup>

در حقوق ایران نیز قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب ۱۳۸۴/۱۰/۱۳، از «تذکر به افراد بدحجاب و برخورد با آنها» به عنوان یکی از وظایف نیروی انتظامی یاد شده که با هشدارها در حقوق انگلستان قابل مقایسه است. با توجه به این مصوبه و علی‌رغم جرم بودن حضور زنان بدون حجاب شرعی در اماکن عمومی، نیروی انتظامی در عمل به مرتکبین جرم مذکور تذکر می‌دهد و از آنها تعهد می‌گیرد. بنا به گفته فرمانده انتظامی پایتخت: «طرح ناظر یک از ابتدای سال ۱۳۹۸ توسط پلیس امنیت عمومی ناجا طراحی و اجرایی شده و در ابتدا برای افرادی که داخل خودرو کشف حجاب می‌کنند، به صورت پیامکی تذکر داده می‌شود. در مراحل بعد احضار، اخذ تعهد و ارشاد انجام می‌شود و نهایتاً تعداد اندکی که هنوز ارشاد برای آنها تأثیرگذار نبوده، به مراجع قضائی معرفی می‌شوند».<sup>۱</sup>

### ۲.۲.۳. حل و فصل اجتماعی<sup>۲</sup>

حل و فصل اجتماعی مستند به قانون نیست.<sup>۳</sup> اما شیوه‌ای برای حل و فصل جرائم سبک یا رفتارهای ضد اجتماعی تلقی می‌شود. در این شیوه، توافق‌نامه غیررسمی میان طرفین پرونده بسته و جایگزین تعقیب محسوب می‌شود.<sup>۴</sup> وقوع جرم، قبول مجرمیت، رضایت به حل و فصل اجتماعی، مشورت با بزه‌دیده و اخذ رضایت وی، سبک بودن جرم و عدم وجود سابقه ارتکاب جرم مشابه یا مرتبط از شرایط این تدبیر است.<sup>۵</sup> برآیند حاصله از این شیوه می‌تواند عذرخواهی کتبی یا شفاهی، جبران خسارت یا سایر تکنیک‌های عدالت ترمیمی باشد.<sup>۶</sup> این تدبیر نیز محکومیت کیفری محسوب نمی‌شود.<sup>۷</sup>

1. Early Intervention Warnings

2. Historic England, *ibid*, pp.8-9.

۱. به نقل از خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی(آنا)، ۱۷ مهر ۹۸، <https://ana.ir/fa/news/>

2. Community Resolution(CR).

3. Community Resolutions, policy for British Transport Police, 2015, p.2.

4. Guidelines On the Use of Community Resolutions, 2012, para.1.1.1.

5. *Ibid*, para.2.1.2.

6. *Ibid*, para.2.3.2.

7. Slapper, G. and David Kelly. *op.cit*, p.395.

#### ۲.۲.۴. توافق نامه‌های رفتار قابل قبول<sup>۱</sup>

این توافق نامه‌ها نوعی جایگزین تعقیب برای رفتارهای ضد اجتماعی‌اند که از یافته‌های عدالت ترمیمی و نظریه شرم بازپذیرکننده اقتباس شده‌اند.<sup>۱</sup> این توافق نامه یک قرارداد کتبی میان مرتکب و یک یا چند نهاد محلی از جمله پلیس است.<sup>۲</sup> اجرای مفاد توافق نامه توسط مرتکب به لحاظ قانونی الزام‌آور نیست، اما پلیس می‌تواند برای نقض آن ضمانت اجرا قرار دهد.<sup>۳</sup>

#### ۲.۲.۵. ارجاع به میانجی‌گری

عدالت ترمیمی در سال ۱۹۷۹ در قالب میانجی‌گری بزه‌دیده-بزه‌کار وارد بریتانیا شد و بیشتر درباره اطفال استفاده شد. اگرچه این طرح‌ها صرفاً توسط پلیس اجرا نمی‌شدند، همه آنها به ارجاع پلیس وابسته بودند.<sup>۴</sup> در حال حاضر نیز در این کشور طرح‌های میانجی‌گری بدون مبنای قانونی وجود دارند که ابتکار عمل‌های محلی هستند.<sup>۵</sup> پلیس انگلستان از اختیارات وسیعی در احاله پرونده به میانجی‌گری در جرائم خرد برخوردار است و می‌تواند قبل از صدور اخطار یا همراه با اخطار، پرونده را به میانجی‌گری ارجاع دهد.<sup>۶</sup> اما در ایران، پلیس اختیار ارجاع پرونده به میانجی‌گری را ندارد و این اختیار مطابق ماده ۸۲ ق.ا.د.ک مختص مقامات قضایی است. علاوه بر اختیار پلیس انگلستان در ارجاع به میانجی‌گری، این مقام می‌تواند خود به عنوان میانجی‌گر عمل نماید.<sup>۷</sup> حل‌وفصل‌های ترمیمی نوجوانان<sup>۸</sup> که از سال ۲۰۰۸ ایجاد شده، یکی از مصادیق آن است.<sup>۹</sup> در ایران نیز علی‌رغم اینکه تبصره ماده ۱۲ آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری ۱۳۹۴،

1. Acceptable Behavior Agreements

1. Historic England, op.cit, p.9.

2. A Guide to Anti-Social Behavior Orders and Acceptable Behavior Contracts, Home Office, pp.7, 52-53.

3. Historic England, ibid, p.9.

4. Marshall, T.F "Restorative justice on trial in Britain" *Mediation Quarterly* 12, No.3, 1995: pp.217-218.

5. Mahony, D.O. op.cit, p.88.

۶. جانی پور، مجتبی و رخساره قریب، *مطالعه معیارهای اعمال میانجی‌گری کیفری در حقوق ایران، انگلیس و بلژیک*، پژوهشنامه حقوق کیفری، بهار و تابستان ۹۶، شماره ۱، صص ۲۴۶-۲۵۳.

۷. مقدسی، محمدباقر، محمد میرزایی و کیوان غنی، *برنامه‌های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و رویه عملی پلیس ایران*، پژوهشنامه حقوق کیفری، بهار-تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱، صص ۲۰۱.

8. Youth Restorative Disposal(YRD).

9. Mahony, D.O. ibid, pp.91-101.

ضابطین دادگستری را از راه‌اندازی مؤسسه میانجی‌گری منع کرده، تشکیل دوایر مشاوره و مددکاری از سال ۱۳۷۹ در کلانتری‌ها را می‌توان مشابه میانجی‌گری‌های پلیسی محور در انگلستان دانست. یکی از اقدامات این دوایر، میانجی‌گری غیررسمی در صورت رضایت طرفین در جرائم قابل گذشت است.<sup>۱</sup> پرونده‌های ارجاع شده به این دوایر همان پرونده‌هایی است که حسب قانون امکان میانجی‌گری در آنها وجود دارد.<sup>۲</sup>

بعد از آشنایی با جلوه‌های قضازدایی پلیسی، باید دید که در عمل به چه میزان از آنها استفاده می‌شود که با توجه به عدم وجود آمار دقیق در حقوق ایران صرفاً در این قسمت به حقوق انگلستان اشاره می‌شود. بحث پایانی مقاله نیز به چالش‌های قضازدایی پلیسی اختصاص می‌یابد.

### ۲.۳. ارزیابی قضازدایی پلیسی

بسیاری از جرایم ثبت شده در انگلستان به هشدار غیررسمی یا توقیف تعقیب توسط پلیس منتهی می‌شوند. برخی پرونده‌ها نیز با اظهارهای رسمی قضازدایی می‌شوند. در نتیجه، اقلیتی از جرائم به تعقیب و نهایتاً به مجازات منجر می‌شوند. هر چه جرم شدیدتر باشد، امکان ورود به فرایند کیفری بیشتر و هر چه جرم سبک‌تر باشد، امکان قضازدایی بیشتر است.<sup>۳</sup> در دهه ۱۹۸۰ که پلیس به افزایش استفاده از اخطار پلیس ترغیب شد، رشد قابل ملاحظه‌ای در نرخ اظهارها صورت گرفت. اما با اتخاذ رویکرد سختگیرانه در دهه ۱۹۹۰، از حجم اظهارها کاسته شد و این کاهش تا سال ۲۰۰۲ ادامه داشت. بعد از آن، دوباره استفاده از اظهارها افزایش یافت؛ به طوری که به ۳۶۲۹۰۰ فقره در سال ۲۰۰۷ رسید. اما دوباره کاهش یافت؛ به طوری که در سال ۲۰۱۷ به ۸۴۰۰۰ مورد رسیده است. بنابر آمار، در سال ۲۰۰۹، ۳۸٪ از ۱۲۹۰۰۰۰ جرم کشف شده توسط پلیس با شیوه‌های حل و فصلی خارج دادگاهی رسیدگی شده که این میزان در مقایسه با سال ۲۰۰۳، ۳۵٪ افزایش پیدا کرده است. اما در سال ۲۰۱۷، ۱۴٪ کاهش داشته است؛ به طوری که

۱. عسگری نیاسر، مسعود، نقش پلیس و قاضی در میانجی‌گری کیفری، مقاله همایش ملی یافته‌های نوین در علوم انسانی و امنیت اجتماعی، دادگستری کل البرز، دی ۱۳۹۵، ص ۱۸.

۲. بارانی، محمد، پلیس و میانجی‌گری کیفری (مورد مطالعه کلانتری‌های تهران)، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، پاییز ۹۶، شماره ۳، ص ۱۳۶.

3. Campbell. Liz and other, op.cit. p.154.

صرفاً ۲۴۶ هزار نفر این راهکارها را دریافت کرده‌اند. دلیل این کاهش، لزوم رعایت معیارهای قانونی و ممنوعیت اعمال آنها در جرائم قابل کیفرخواست است.<sup>۱</sup>

قضازدایی پلیسی علی‌رغم داشتن مزیت‌های بسیار با چالش‌هایی نیز روبرو است. اولین چالش، واگذاری اختیار قضایی به یک مقام اجرایی است که در ایران خلاف اصول ۳۶ و ۱۵۹ قانون اساسی و به طور کلی خلاف اصل قضایی بودن مجازات‌هاست. برای مثال، قبض جرمه برای بی‌نظمی به پلیس اختیار تحمیل ضمانت اجرای کیفری می‌دهد؛ بدون آنکه به جرم متهم در دادگاه بی‌طرف و مستقل رسیدگی و مجرمیت وی اثبات شده باشد. دومین چالش که از مهم‌ترین چالش‌های قضازدایی پلیسی در انگلستان است، اعطای اختیارات بی حد و حصر به پلیس است که توالی فاسد بسیاری مثل برخورد سلیقه‌ای و نابرابر میان افرادی که مرتکب جرائم مشابه شده‌اند، به دنبال دارد.<sup>۱</sup> چالش دیگر، نادیده گرفتن حقوق بزه‌دیده است. در اظهارهای مشروط، نظر بزه‌دیده برای پلیس جنبه مشورتی دارد.<sup>۲</sup> شرط قبول مجرمیت نیز یکی از چالش‌هاست. وجود این شرط باعث می‌شود که افرادی که مرتکب جرم نشده‌اند، به دلیل ترس از برخورد با دادگاه مجبور به قبول مجرمیت شوند.<sup>۳</sup>

---

1. Ibid, pp.163-164.

1. Ibid, p.163.

2. Code of Practice for Adult Conditional Cautions, para.2-48.

3. Cushing, Karen. op.cit, p.140.

### نتیجه گیری

در آغاز شکل گیری پلیس در انگلستان، به دلیل خصوصی بودن تعقیبها و عدم وجود نهاد تعقیب، افسران پلیس عهده دار تعقیب شدند و کماکان نیز اکثر اختیارات تعقیبی در اختیار آنهاست. به علاوه، از آنجاکه اصل اقتضای تعقیب از اهمیت بالایی در این کشور برخوردار است، پلیس به عنوان مهم ترین مقام تعقیب دارای اختیارات قضازدایانه می باشد؛ به نحوی که در مواردی که تعقیب به منفعت عمومی نیست، می تواند از تعقیب خودداری و پرونده را به یکی از شیوه های حل و فصلی خارج دادگاهی از فرایند کیفری رسمی قضازدایی کند. لذا بیشتر اطلاعات درباره قضازدایی به سیاستها و رویه های پلیس اختصاص دارد.<sup>۱</sup> این اختیارات مبانی ایدئولوژیکی و کارکردگرایانه دارد. از بُعد نظری، قضازدایی پلیسی با اندیشه های مختلف جرم شناسی مثل برچسب زنی و شرم بازپذیرکننده قابل توجیه است. زیرا اجتناب از پیامدهای منفی کیفری در مرحله اولیه بهتر از مراحل پایانی دادرسی است. از آنجا که پیامدهای منفی تعقیب، حتی اگر به مجازات هم منتهی نشود، پاسخ شدیدی به برخی از اشکال جرم است، قضازدایی پلیسی با اصل تناسب جرم و مجازات نیز قابل توجیه است. به علاوه، قضازدایی پلیسی می تواند با ایده «صلاح دید»<sup>۲</sup> پلیس نیز قابل توجیه باشد. زیرا پلیس به عنوان نهاد اصلی کشف، تعقیب و تحقیق جرائم، باید از اختیارات لازم برای انجام وظایفش برخوردار باشد.<sup>۳</sup> از بُعد عملی نیز قضازدایی پلیسی با مبانی کارکردگرایانه صرفه جویی در هزینه ها، زمان و اختصاص منابع به جرائم مهم تر قابل توجیه است. مضافاً اینکه پلیس انگلستان هیچ تمایلی به اثبات مجرمیت و تحمیل مجازات ندارد و هدفش بیشتر کنترل و حفظ نظم است.<sup>۴</sup>

در ابتدا، به علت عدم وجود معیارهای قانونی، پلیس انگلستان از اختیارات قضازدایانه خود در بسیاری موارد از جمله جرایم شدید استفاده می کرده که سبب بروز انتقاداتی نسبت به عملکرد پلیس شده است. از همین رو، وزارت کشور و سپس قانون گذار درصدد مدون کردن شرایط اعمال این اختیارات بر آمده اند و پلیس را از قضازدایی در جرائم قابل کیفرخواست و دووجهی شدید منع

1. Ashworth, A. op.cit, pp.266-267.

2. Discretion

3. Kleinig, J. *The Ethics of Policing*, First Published. Cambridge University Press, 1996, pp.81-82.

4. Hillyard, Paddy "Arresting statistics: the drift to informal justice in England and Wales" *Journal of law and society*, vol.26, no.4, December 1999: pp.519-520.

کرده‌اند. اما نهاد پلیس در ایران از ابتدا زیر نظر مقامات قضایی انجام وظیفه می‌کرده و قانون حق تعقیب به آن اعطا نکرده است که در نتیجه آن بتواند مبادرت به قضازدایی کند. با وجود این، دادن وظیفه تذکر و ارشاد به بانوان بی‌حجاب که عملاً نیز توسط مأمورین پلیس اعمال می‌شود و نیز ایجاد دوایر مددکاری اجتماعی را که با صلح و سازش از ورود برخی افراد به فرایند کیفری جلوگیری می‌کنند، می‌توان نوعی قضازدایی پلیسی تلقی نمود که در مقایسه با اختیارات پلیس انگلستان خیلی محدود است.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

#### کتاب

۱. بولک، برنار، **کیفرشناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
۲. شکرچی زاده، محسن، **آئین دادرسی کیفری انگلستان (قاعده اقتضاء تعقیب)**، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۳. مهرا، نسرين، **عدالت کیفری کودکان و نوجوانان**، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۰.
۴. مهرا، نسرين، **نظام حقوقی انگلستان**، تالیف هیئت پژوهشگران کاوندیش، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی، **دانشنامه جرم شناسی**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۶. وایت، رابرت و فیونا هینز، **جرم و جرم‌شناسی؛ متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی**، ترجمه علی سلیمی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۹۲.

#### مقاله

۷. اسفندیاری، محمد صالح و محسن نورپور، **تحولات نهاد پلیس در بستر یافته‌های جرم‌شناسی**، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، زمستان ۹۳، شماره ۲۰.
۸. افراسیابی، علی، **بازتوزیع اختیارات نهادهای کشف و تحقیق جرم در نظام حقوقی ایران**، فصلنامه دانش انتظامی، زمستان ۹۵، شماره ۷۳.
۹. بارانی، محمد، **پلیس و میانجی‌گری کیفری (مورد مطالعه کلانتری‌های تهران)**، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، پاییز ۹۶، شماره ۳.



۱۰. بیابانی، غلامحسین و علی صابری تولایی، مطالعه تطبیقی راهکارهای کاهش تراکم کاری پلیس آگاهی، مجله کارآگاه، زمستان ۹۵، شماره ۳۷.
۱۱. جانی‌پور، مجتبی و رخساره قریب، مطالعه معیارهای اعمال میانجیگری کیفری در حقوق ایران، انگلیس و بلژیک، پژوهشنامه حقوق کیفری، بهار-تابستان ۹۶، شماره ۱.
۱۲. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و محسن نورپور، تعقیب‌زدایی کیفری؛ بازتابی نوین از الغاگرایی کیفری، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳۸۴، شماره ۲.
۱۳. حاجی ده آبادی، محمد علی، محمدخلیل صالحی و محسن مرادی حسن‌آباد، موقعیت داشتن تعقیب در نظام کیفری ایران با نگاهی تطبیقی، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، بهار-تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱۳.
۱۴. دیباجی شیشوان، سمیرا و غلامعلی عزیزی، قضازدایی و چالش‌های قانونی آن در حقوق ایران، ماهنامه کانون، مهر-آبان ۱۳۹۲، شماره ۱۴۵-۱۴۶.
۱۵. شاکری، ابوالحسن و مسعود قاسمی، پاسخ به جرم مشهود در سیاست جنایی ایران با نگاهی به حقوق انگلستان، فصلنامه دانش انتظامی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۱.
۱۶. شاملو باقر و ندا محتشمی، مطالعه تطبیقی دو نظریه تعامل‌گرایی و پنجره‌های شکسته و آثار آن بر سیاست جنایی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲.
۱۷. شمس ناتری، محمدابراهیم و مسعود مصطفی‌پور، تلاقی اندیشه‌های جرم‌شناختی «بازپروری» و «ناتوان‌سازی» در قانون مجازات اسلامی ۹۲، پژوهشنامه حقوق کیفری، بهار-تابستان ۹۶، شماره ۱.
۱۸. عباسی، مصطفی، عدالت ترمیمی؛ دیدگاه نوین عدالت کیفری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، پاییز-زمستان ۱۳۸۲، شماره ۹.
۱۹. عسگری نیاسر، مسعود، نقش پلیس و قاضی در میانجی‌گری کیفری، همایش ملی یافته‌های نوین در علوم انسانی و امنیت اجتماعی، دادگستری کل البرز، دی ۱۳۹۵.

۲۰. علیوردی‌نیا، اکبر و محمدرضا حسنی، **شرمسازسازی بازپذیرکننده و بزهکاری؛ آزمون تجربی نظریه تلفیقی بریث ویت**، مجله جامعه شناسی ایران، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۳.
۲۱. غلامی، حسین، **شرم و پیشگیری از تکرار جرم**، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، بهار ۱۳۸۷، شماره ۱۰.
۲۲. محسنی، فرید، **دستاوردهای نظری و عملی جرم‌شناسی رشدمدار**، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۶۶.
۲۳. مقدسی، محمدباقر، محمد میرزایی و کیوان غنی، **برنامه‌های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و رویه عملی پلیس ایران**، پژوهشنامه حقوق کیفری، بهار-تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱.
۲۴. مهرا، نسرین، **درآمدی بر جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی**، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۶-۱۳۷۷، شماره ۲۱-۲۲.
۲۵. مهرا، نسرین، علی صفاری، محمدعلی مهدوی ثابت و بهروز نوروزی، **اصل اقتضاء تعقیب در قلمرو جرائم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان**، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۱۵۵.
۲۶. مهرا، نسرین، **نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز**، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۴-۱۳۷۵، شماره ۱۶ و ۱۷.
۲۷. مهرا، نسرین، **تحولات کیفر در پرتو مکاتب کیفری و جرم‌شناختی**، نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۱.
۲۸. مؤذن زادگان، حسنعلی، غلامحسن کوشکی، محمد بارانی و حسین یاراحمدی، **قضازدایی پلیسی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار؛ مطالعه تطبیقی نیوزیلند، کانادا و ایران**، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، پاییز ۱۳۹۵.

۲۹. وروایی، اکبر، علی فتاحی و وحید یآوری، **بررسی سیر تحول سیاست تقنینی ایران در کنترل جرائم و تخلفات رانندگی**، فصلنامه مطالعات پژوهشی راهور، بهار ۹۴، شماره ۱۲.

#### تقریرات و پایان نامه‌ها

۳۰. صادق پور، ناهید، «نقش پلیس در فرایند دادرسی کیفری در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد تهران مرکز، تابستان ۱۳۹۰.
۳۱. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، «تقریرات درس جرم‌شناسی»، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، سال تحصیلی ۸۶-۸۷.
۳۲. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، «تقریرات درس جرم‌شناسی (نظریه‌های جرم‌شناسی)»، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۷۳-۷۴.

#### ب) منابع انگلیسی

##### Books

33. Brown, A. *Police Governance in England and Wales*. First published. London: Cavendish Publishing, 1998.
34. Campbell, Liz. Andrew Ashworth, and Mike Redmayne. *The criminal process*. Fifth edition, New York: Oxford university press, 2019.
35. Goldson, B. *Dictionary of Youth Justice*, First published, London: Willan Publishing, 2008.
36. Hungerford-Welch, P. *Criminal Litigation and Sentencing*, Sixth Edition, London: Cavendish Publishing, 2004.
37. Kleinig, J. *The Ethics of Policing*, First Published. Cambridge: Cambridge University Press, 1996.
38. Partington, M. *Introduction to The English Legal System*. Seventh edition. United Kingdom: Oxford University Press, 2012-2013.
39. Sharpley, D. *Criminal Litigation Practice and Procedure*, London: College of Law Publishing, 2010-2011.
40. Slapper, G. and David Kelly. *The English Legal System*. Eighteenth Edition. London and New York: Routledge, 2017.

41. Waddington, P.A.J. *Policing Citizens: Authority and Rights*, First published, London: UCL Press, 1999.

#### Articles

42. Ashworth, A. 'Developments in the Public Prosecutor's Office in England and Wales', *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, Vol. 8/3, 2000.
43. Ashworth, Andrew and Lucia Zedner "Defending the Criminal Law: Reflections on the Changing Character of Crime, Procedure, and Sanctions" *Criminal Law and Philosophy* (2) 2008.
44. Cushing, Karen "Diversion from Prosecution for Young People in England and Wales: Reconsidering the Mandatory Admission Criteria" *Youth Justice*, Vol.14(2), 2014.
45. Hillyard, Paddy "Arresting statistics: the drift to informal justice in England and Wales" *Journal of law and society*, Vol.26, No.4, 1999.
46. Jasch, M. "Police and Prosecutions: Vanishing Differences between Practices in England and Germany" *German Law Journal*, Vol.5, N.10, 2004.
47. Jehle, Jörg-Martin & Christopher Lewis & Piotr Sobota "Dealing with Juvenile Offenders in the Criminal Justice System" *Eur J Crim Policy Res*, N.14, 2008.
48. Kraus, J. and S. L. Hasleton. "Juvenile Offenders' Diversion Potential as a Function of Police Perceptions" *American Journal of Community Psychology*, Vol.10, No.2, 1982.
49. Landau, S.F and Gad Nathan. "Selecting Delinquents for Cautioning in the London Metropolitan Area" *British Journal Criminology*, N.23, 1983.
50. Leigh, L. H. "Prolegomenon to a Study of Police Powers in England and Wales" *Notre Dame Law*, No.48. 1973.
51. Lemert, M. E. "Diversion in juvenile justice: what hath been wrought" *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 1981.
52. Marshall, Tony Francis "Restorative justice on trial in Britain" *Mediation Quarterly*, No.3, 1995.
53. Osborough, N. "Police Prosecutorial Discretion and the Police Image: Reflections on the Problem in England" *Washington Law Review*, N.5, 1966.

54. Slothower, M. "Strengthening Police Professionalism with Decision Support: Bounded Discretion in Out-of-Court Disposals" *Policing*, Vol.8, N.4, 2014.
55. -Wakefield, B; J. David Hirschel and Scott Sasse. "Public Prosecution in England: Resistance to Change in a Major Police Force" *American Journal of Police*, Vol.XIII, No.3, 1994.
56. Walker, N. "Caution" *Police Journal*, N.46, 1973.
57. Wang, Jia.J and Don Weatherburn "Are police cautions a soft option? Reoffending among juveniles cautioned or referred to court" *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, Vol.52(3), 2019.

#### **Thesis**

58. Campbell, Elaine. "Prosecution And Diversion: Implementing A Policy Initiative". PhD Thesis. University Of Newcastle Upon Tyne, 2000.
59. Little, S.B. "Impact of Police Diversion on Re-Offending by Young People". PhD Thesis. Arts, Education and Law Griffith University, 2015.

#### **Codes and guidelines**

60. A Guide to Anti-Social Behavior Orders and Acceptable Behavior Contracts, Home Office.
61. Code of Practice for Adult Conditional Cautions, Ministry of justice, January 2013.
62. Code of Practice for Youth Conditional Cautions, Ministry of justice, March 2013.
63. Community Resolutions, policy for British Transport Police, 2015.
64. Guidelines on the use of community resolutions incorporating restorative justice, association of chief police officers, august 2012.
65. Out-of-court disposals for adults, A guide to alternatives to prosecution, Published by the Office for Criminal Justice Reform. July 2007.
66. Penalty Notices for Disorder: guidance for police officers, Published 24 June 2014.
67. Police powers and procedures, Statistical Bulletin 24/18 25 October 2018.
68. Simple cautions for adult offenders: guidance for police officers and Crown Prosecutors, effective from 13 April 2015.
69. Youth Out-of-Court Disposals: Guide for Police and Youth Offending Services, Youth Justice Board for England and Wales, 2013.

**Internet References**

70. Allard, Troy and others, **The Use and Impact of Police Diversion for Reducing Indigenous Over-Representation**, Report to the Criminology Research Council, October 2009. Available at: (<https://www.researchgate.net/publication/242710775>).
71. Historic England 2018, **Interventions: Prosecution and Alternative Disposals**, Swindon. available at: ([HistoricEngland.org.uk/advice/caring-for-heritage/heritage-crime](http://HistoricEngland.org.uk/advice/caring-for-heritage/heritage-crime)).
72. Monaghan, Geoffrey and Dave Bewley-Taylor, **Practical implications of policing alternatives to arrest and prosecution for minor cannabis offences**, Modernizing Drug Law Enforcement Report 4, September 2013. available at: ([http://files.server.idpc.net/library/MDLE-report-4\\_Practical-implications-of-policing-alternatives-to-arrest.pdf](http://files.server.idpc.net/library/MDLE-report-4_Practical-implications-of-policing-alternatives-to-arrest.pdf)).
73. Wilson B, D. and others. **Police Initiated Diversion for Youth to Prevent Future Delinquent Behavior: A Campbell Systematic Review**, The Campbell Collaboration, 2018. available at: ([www.campbellcollaboration.org](http://www.campbellcollaboration.org)).